

معرفی نسخ و ویژگی‌های سبکی و محتوایی مولود النبی *

جیلان ملامحمت‌اوغلو

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۰ (صفحه: ۱۶۹-۱۸۶)

چکیده: مولودنامه‌ها از جمله آثار مذهبی مورد توجه در آسیای صغیراند. نسخه خطی مولود النبی سروده محمد نورالدین کازرونی، متخلص به نوری خراسانی، از نمونه‌های مهم مولودنامه در ترکیه است. اهمیت این نسخه در منظوم ساختن زندگی‌نامه پیامبر اکرم و نقل روایات متعدد از روایان ثقه است. کازرونی برای نقل وقایع زندگی پیامبر اکرم، علاوه بر استناد به روایات مهم، اشارات فراوانی به آیات و احادیث دارد. از آنجا که مولودنامه‌های سروده‌شده در آسیای صغیر، مهم‌ترین آثار در این گونه ادبی به‌شمار می‌رود، شناسایی و تصحیح این متون اهمیت فراوانی در آشنایی بهتر با ادب فارسی در آسیای صغیر دارد. از زندگی‌نامه نویسنده این مولودنامه اطلاعی در دست نیست؛ تنها از ارتباط او با دربار آق‌قویونلوها آگاه هستیم. این مقاله به معرفی و شرح ویژگی‌های این اثر، براساس سیزده هزار بیت آغازین آن اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: مولودالنبی، نورالدین خراسانی، نسخه خطی، مولودنگاری.

۱ مقدمه

در خاورمیانه و خارج از قلمرو سیاسی ایران، نسخ خطی گران‌بها به زبان فارسی و با موضوعات مختلف فلسفه، عرفان، فقه، نجوم، ادبیات و تاریخ فراوان است. یکی از این نسخه‌ها مولود النبی، اثری منظوم در قالب مثنوی، است که به زندگینامه پیامبر اکرم^ص می‌پردازد. در این اثر - مانند نسخه‌های مثنوی مولودنامه - روایات مربوط به وجود مبارک پیامبر اکرم^ص از آغاز آفرینش تا تولد و از تولد تا پایان عمر آن حضرت نقل شده است. کتاب با موضوع خلق نور نبوی پیش از پدید آمدن صورت‌ها آغاز می‌گردد و در ادامه به تمام رخداد‌های مربوط به زندگانی آن حضرت می‌پردازد. شاعر در مقدمه این منظومه، پیش از پرداختن به اصل موضوع، به بیان سبب تألیف اثر و مدح سلطان یعقوب آق‌قویونلو پرداخته است.

۲ پیشینه پژوهش

سیره‌نویسی فارسی در ایران از قرن هفتم و هشتم هجری رواج گرفت و بیشتر آنها در قالب ترجمه آثار سیره‌نویسان عرب بوده است. نکته جالب اینجاست که این آثار بیشتر در ایالت فارس، به‌ویژه در ابرقو، شیراز و کازرون نوشته شده‌اند؛ با این حال تاکنون پژوهشی مبسوط و دقیق درباره تاریخ و روال نگارش این آثار و ارتباط آنها با متون عربی قدیم یا متون معاصرشان صورت نگرفته است. همچنین به آثار فارسی تألیف شده در این زمینه، در خارج از مرزهای سیاسی ایران، توجه چندانی نشده است. گفتنی است شماری از این آثار ادبی، پیش از آنکه در ایران دوره صفوی مورد توجه قرار گیرد، در میان فارسی‌زبانان آسیای صغیر جایگاهی ویژه داشت.

تا آنجا که اطلاع داریم اولین ترجمه فارسی از سیرت رسول الله^ص از کتابی با نام شرف النبی اثر ابوسعید عبدالملک بن ابوعثمان محمد واعظ خرگوشی صورت گرفته است. این اثر با نام‌های سیر المصطفی، دلائل النبوت، شرف النبوت و شرف المصطفی نیز نامیده می‌شد. شرف النبی به کوشش نجم‌الدین محمود بن محمد راوندی به سال ۵۵۹ق به فارسی برگردانده شد. دومین اثر ترجمه‌ای از سیره ابن‌هشام است که در سال ۶۱۲ق به دستور

مظفرالدین سعد بن زنگی حاکم شیراز و به وسیله رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقو (ابرقوه) بین سال‌های ۵۸۲ تا ۶۲۳ق به فارسی ترجمه شد. تصحیحی انتقادی از این اثر با نام سیرت رسول الله^ص به کوشش اصغر مهدوی در ۱۳۶۰ به چاپ رسیده است. سومین کتاب از این گونه نهایت‌المسؤول فی روایت الرسول نام دارد و ترجمه عبدالسلام بن علی بن حسین ابرقوهی است. نهایت‌المسؤول به نام‌هایی مانند المنتقی فی سیره المصطفی، المنتقی فی سیره مولود النبی المصطفی^ص نیز شهرت داشته است. نسخه عربی که ترجمه از آن صورت گرفته، با عنوان مولود النبی، توسط سعیدالدین محمد بن مسعود کازرونی (وفات: ۷۵۸ق) تألیف شده است. ترجمه دیگری از مولود النبی توسط پسر سعیدالدین تهیه شد که همانام پدر بود و عفیف‌الدین محمد بن مسعود کازرونی نامیده می‌شد. این اثر اخیر به سیره عفیفی نیز شهرت دارد (برای توضیحات بیشتر ← یاحقی، تعلیقات بر نهایت‌المسؤول ۱۳۶۶: ۱-۱۸؛ بگری ۱۳۸۸: ۹).

۳ معرفی و تحلیل محتوای اثر

نسخه اصلی مولود النبی در کتابخانه سلیمانیه نگهداری می‌شود. این اثر که به نام مولود نوریه هم شهرت دارد، متعلق به محمد نورالدین کازرونی است و در نیمه دوم سده نهم هجری در قالب مثنوی سروده شده است. مولود النبی در شمار آثار ارزشمندی است که در دوره نسبتاً درخشان آق‌قویونلوها پدید آمد. فرمانروایان آق‌قویونلو اغلب از فضلا، ادیبان و هنرمندان حمایت می‌کردند. مولود النبی نیز در دربار سلطان یعقوب پسر اوزون حسن (حک: ۸۸۷-۸۹۶ق) مورد توجه قرار گرفت. از احوال سراینده اثر اطلاعات چندانی در دست نیست؛ جز اینکه «نوری» تخلص می‌کرد و نسبت «خراسانی» داشت. مثنوی بلند مولود نوریه، حدود سی‌هزار بیت است.

در مقدمه نه‌چندان مفصل کتاب به نام اصلی اثر، یعنی مولد النبی یا مولود نبی، اشاره شده است. همچنین از مقدمه مشخص می‌شود که مؤلف یعنی محمد نورالدین کازرونی منسوب به خاندان کازرونی‌هاست که در تدوین سیره نبوی دستی داشته‌اند. باید به این نکته

اشاره کرد که در قرن هشتم هجری، مکتب کازرون در زمینه نوشتن سیره نبوی فعال بوده است. چنان‌که اشاره شد، اثر معروف ابن اسحاق در سیره نبوی را چند تن از خاندان کازرونی به نثر و نظم فارسی درآورده‌اند. برخی محققان درباره چرایی توجه این خاندان به متون سیره نبوی، به ارتباط کازرونی‌ها با شهر مکه اشاره دارند. برای مدتی طولانی، بسیاری از مؤذنان مسجدالحرام از خاندان کازرونی بودند. از طرف دیگر خود شهر کازرون هم در قرن هشتم هجری مرکز علم و حدیث و مذهب بوده است (جعفریان ۱۳۹۵: ۳۸۵-۳۹۸).

سراینده، انگیزه خود را از سرودن این منظومه بلند «گسترش نعت حضرت محمد^ص» ذکر کرده است. با توجه به گرایش صوفیانه سراینده که در این اثر کاملاً پیداست و نیز اشاره مکرر به مجالس مولودخانی در دیباچه منظومش، به نظر می‌رسد که او این اثر را برای قرائت در مجالسی که نزد صوفیه رواج داشت، پدید آورده باشد. لازم به ذکر است که در جشن‌های مذهبی، از جمله میلاد حضرت پیامبر^ص، طی مراسمی اشعاری در مدح آن حضرت خوانده می‌شد و گاهی از متن مولودنامه‌ها به این منظور استفاده می‌شد. کازرونی حدود دو سال (از ۸۸۵ق تا ۱۵ شعبان ۸۸۷) برای سرودن این منظومه وقت صرف کرده است.

در ستایش‌نامه منظومی که در آغاز یکی از چهار دست‌نویس دانشگاه استانبول درج شده و یکی از ادبای سلسله نقشبندیه در سده سیزدهم هجری و به سال ۱۲۹۰ق آن را در کاشمیر (کشمیر، و نه کاشمر خراسان) سروده است، درباره سراینده مثنوی مولودنوریه که در این تقریظ مولود نوریه النبی نامیده شده است، این ابیات دیده می‌شود:

من چه گویم وصف این فرخ‌کتاب	زانکه خود روشن تر است از آفتاب
وه! چه زیبا نامه مستعجبی است	شهره در عالم به مولود النبی است
آنکه او این دُر گوهر سفته است	این سیر را از پیمبر گفته است
مولوی نوری خراسانی است او	مخزن اسرار پنهانی است او

(دست‌نویس دانشگاه استانبول: برگ ۱ الف)

او اضافه می‌کند این کتاب را شخصی به نام خواجه عبدالغفور یافته و برای خرید اصل کتاب که ارزشمند نیز بوده، بسیار هزینه کرده و برای استنساخ آن رنج فراوانی برده است.

معرفی نسخ و ویژگی‌های سبکی و محتوایی...

خاصه عبدالغفور و آل او باد باقی با شکوه و آبرو
الغرض این نسخه با خط طلا که به چشم جان و دل بخشد جلا
هم به سعی خواجه عبدالغفور گشته مرقوم از ره شوق و سرور

(همان: ۲ الف)

و استاد خواجه عبدالغفور، عالمی اهل علم ظاهر و باطن و پایه ترویج دین بود.

آب پاکش خواجه سید احمد است آن که اندر یار قندش هرقد است
من بدیدم بارها آن نامدار بود بی‌شک نیک‌مرد و نیک‌کار

(همان جا)

کازرونی (نوری خراسانی) در خاتمه منظومه مولود نوریه، نام اثر و تاریخ اتمام آن را

چنین ذکر کرده است:

حمد لله کز در خیرالانام شد همی «مولود نوریه» تمام
گر کسی خواهد که بشناسد به کام کاین کتابم در چه ساعت شد تمام
ماه شعبان نیم شب، لیل البرات بُد، که جانم یافت از محنت نجات
رفته بود از هجرت صدر کبار هشتصد هشتاد و هفت ای مرد کار

(سلیمانیه، برگ ۳۲۹ ب؛ استانبول، برگ ۲۸۹ الف؛

حکیم، برگ ۳۹۴ ب؛ ملک، برگ ۶۱۱)^۱

درباره سلطان یعقوب آق قویونلو، که منظومه به او پیشکش شده است، در دیباچه اثر

چنین می‌خوانیم:

بی تکلف شاه یعقوب این زمان برده این گوی سعادت از میان
زانکه مطلق رفع منهیات کرد امر بر ترویج شرعیات کرد

کازرونی در باب عدالت سلطان یعقوب می‌سراید:

عدل او ظلم از میان برداشته بر رعایا ظلّ عدل افزاشته
درگذشته نور عدلش ز آفتاب زیر ظلّ عدل او عالم به خواب

(استانبول، برگ ۷ الف؛ حکیم، برگ ۷ ب؛ ملک، برگ ۱۸)

در سنین هشتصد و هشتاد و پنج کز خوشی جنت بدی خوان سه پنج
زانکه عهد شاه دین یعقوب بود کار عالم جمله خوبا خوب بود

۱. در ارجاعات داخل متن: منظور از سلیمانیه، دست‌نویس کتابخانه سلیمانیه؛ منظور از استانبول، دست‌نویس دانشگاه استانبول؛ منظور از حکیم، دست‌نویس حکیم اوغلو؛ و منظور از ملک، دست‌نویس ملک است.

در چنین وقتی من پرسوز و تاب کرده بودم ابتدای این کتاب (استانبول، برگ ۷ الف؛ حکیم، برگ ۸ الف؛ ملک، برگ ۱۹) از آنجا که گروه‌های نقشبندی از این اثر حمایت کرده و در استنساخ آن کوشیده‌اند، کازرونی در ابیاتی از منظومه حاضر، به قیاس اثرش با مثنوی معنوی و مقایسه خودش با مولانا و عطار می‌پردازد. وی از مولانا جلال‌الدین به «ملاً» [ملای روم] یاد می‌کند:

گر بخوانی این رموز معنوی دان که مستغنی شوی از مثنوی
گر بُدی عطار و ملا در میان سبقتم دادندی ایشان بی‌گمان
بی‌تکلف، سال‌ها خون خورده‌ام تا که راه اندر معانی برده‌ام

(سلیمانیه، برگ ۳۲۸ ب؛ استانبول، برگ ۲۸۸ ب؛ حکیم، برگ ۳۹۴ ب؛ ملک، برگ ۶۱۱)

منظومه مولود النبی از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت است، هر چند تاکنون به آن پرداخته نشده است. عدم دسترسی اهل تحقیق در ایران و سایر مراکز پژوهشی مرتبط با ادبیات فارسی به دست‌نویس‌های چهارگانه اثر، موجب شده است که تاکنون هیچ اطلاعاتی از آن در منابع نوشتاری انعکاس نیابد. با توجه به اهمیت این اثر، پرداختن به تصحیح علمی و دقیق آن ضروری به نظر می‌رسد. مولود النبی از لحاظ ارزش‌های زبانی (نحوی و واژگانی)، ارزش‌های ادبی (نحوه به‌کارگیری صورخیال شاعرانه در اواخر قرن نهم هجری)، همچنین داشتن اطلاعات ارزشمند درباره جریان‌های صوفیانه و معنویت‌گرا پیش از ظهور صفویه در ایران و مقارن قدرت گرفتن حاکمان عثمانی در آسیای صغیر، دارای اهمیت است.

مولود النبی، طبق گفته خود سراینده، براساس کتابی به نثر سروده شده است؛ اما در آن اشاره‌ای به نام صاحب اثر نمی‌شود. گرچه با توجه به محتوای این اثر، آن را متأثر از مولودنامه منثور نه‌ایة المسؤول فی روایة الرسول می‌توان دانست. شاعر از پدیدآور متن اصلی با عنوان استاد یاد می‌کند:

بود مولودی خوشی نثری فصیح جمع در وی بود احادیث صحیح
زانکه آن جامع بسی استاد بود در حدیث او را بسی اسناد بود
صاحب اسناد عالی بود او مرغ برج لایزالی بود او

(استانبول، برگ ۸ ب؛ حکیم، برگ ۹ ب؛ ملک، برگ ۲۱)

مولود النبی از آثار اواخر سده نهم هجری مربوط به دستگاه فرهنگی و مذهبی

آق‌قویونلوهاست. زبان به کار رفته در سرودن اثر نسبتاً قوی و البته کم‌آرایه است، زیرا خوانندگان منظومه از عامه مردم فرض شده‌اند. از همین سادگی سبک می‌توان حدس زد که احتمالاً نوری کازرونی (نوری خراسانی) این منظومه را برای قرائت در مجالس همگانی منظوم کرده باشد. به نظر می‌رسد که سراینده، از اهالی کازرون است و تحت تأثیر مکتب سیره‌نگاری که در آن منطقه و سایر شهرهای ایالت بزرگ فارس مانند ابرقو و شیراز رایج بوده قرار داشته است. پژوهش حاضر براساس تصحیح سیزده هزار بیت آغازین منظومه مولود النبی است.

۴ معرفی نسخ اثر

از مولود نوریه چهار دست‌نویس پرحجم برجای مانده است. در فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک و در مقاله فلیکس تائور با عنوان «۵۵۵ نسخه فارسی تاریخ در کتابخانه‌های استانبول» به منظومه مولود نوریه یا مولود النبی اشاره شده است. در ترکیه فقط در کتاب‌شناسی احمد آتش که برای آثار منظوم فارسی در سال ۱۹۶۸م در استانبول به ترکی نگاشته شده، به معرفی کتاب‌شناسانه این اثر و معرفی دست‌نویس دانشگاه استانبول پرداخته شده است. همچنین تصویر رنگی از دست‌نویس‌های کتابخانه حکیم اوغلو ۸۱۲ (کتابخانه ملت استانبول) و کتابخانه ملک تهران به شماره ۵۰۷۳ (سیر یا مولودیه نوریه) وجود دارد. علاوه بر این، دست‌نویسی هم در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش حاجی سلیم آقا (شماره ۱۰۷۳ هدایی افندی) موجود است که به زمان سرودن منظومه بسیار نزدیک‌تر است و از نظر زبانی و حفظ اصالت متن، شایسته توجه است.

۵ مشخصات نسخه‌ها

۱) نسخه کتابخانه سلیمانیه استانبول، مولود و سیر نبی در بخش حاجی سلیم به شماره آرشیو میکروفیلم ۱۰۷۳ (با عنوان هدایی افندی) نگهداری می‌شود (تائور ۱۳۷۹: ۵۵). این نسخه در تاریخ ۹۴۹ق در مکه کتابت شده است (افشار و دانش‌پژوه ۱۳۶۱: ۳/۴۸۴). میکروفیلم نسخه در استانبول از طریق مرکز فتوکپی و میکروفیلم تهیه شده و در این نسخه عنوان‌ها به

رنگ قرمز نویخته شده. متن اصلی ۳۹۵ برگ است. هر صفحه تا ورق شماره ۵۱ شامل ۲۰ سطر و ۴ ستون و ورق‌های بعدی هم شامل ۲۳ سطر و ۴ ستون است. بیت‌های این نسخه با مرکب مشکی نوشته شده و کاتب در انتهای هر صفحه، کلمه ابتدای صفحه بعد را آورده است. این نسخه به دست مؤلف کتاب، نورالدین محمد کازرونی، به خط نستعلیق نوشته شده و بین صفحات ۳۶۲ و ۳۹۵ نسخه متنی عربی باب دارد. در این نسخه بیت‌ها در قالب مثنوی نوشته شده است.

۲) نسخه موجود در کتابخانه حکیم اوغلو، با عنوان مولود نبی (تائور: ۱۳۷۹: ۵۵؛ افشار و دانش‌پژوه ۱۳۶۱: ۴۸۴/۳) و شماره ثبت: علی پاشا ۸۱۲؛ عبارت است از ۴۴۳ صفحه، هر صفحه ۱۹ سطر و ۴ ستون. عنوان‌ها در متن با رنگ قرمز نوشته شده است.

۳) نسخه موجود در کتابخانه ملی ملک (ایران)، با شماره ۵۰۷۳ و با نام سیر یا مولودیه نوریه و به نام مؤلف نورالدین محمد کاکبای صفوی معرفی شده است (افشار و دانش‌پژوه ۱۳۶۱: ۴۸۴/۳). این نسخه در تاریخ ۱۰۸۹، به خط نستعلیق کتاب شده است. این نسخه ۶۴۴ صفحه است، هر صفحه ۲۵ سطر و ۴ ستون. عنوان‌ها در متن با رنگ قرمز نوشته شده. ابتدای این نسخه، غزلی نگاشته شده است که در نسخه‌های دیگر وجود ندارد.

۴) نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره FY 1236 در تاریخ ۱۲۹۰ق در کشمیر استنساخ شده است (AİEŞ 1968: 386-387). این نسخه ۳۲۶ صفحه، هر صفحه ۲۵ سطر و ۴ ستون. عنوان‌ها تا ورق شماره ۵۶ موجود نیست. آخر نسخه عین نسخه هدایی افندی دعایی به زبان عربی به اتمام می‌رسد. این نسخه؛ علاوه بر این در این نسخه نسبت به نسخه‌های دیگر حدود ۱۳۰ بیت اضافه دارد (ibid: 386-387).

۶ محتوای مولودنامه

مولودنامه چهار «قسم» و یک «خاتمت» دارد:

قسمت اول: در هشت باب است و به بیان آنچه از اول خلق نور نبوت تا زمان آن حضرت

صلی الله علیه وسلم بوده، اختصاص دارد.

باب اول: در بیان کیفیت نور نبوت حضرت رسالت صلی الله و سلم، پیش از وجود و صورت، و ذکر خلق و طینت او پیش از طینت آدم علیه‌السلام و حدیث صورت‌های پیغمبران علیهم‌السلام؛ **باب دوم:** در بیان بشارت کتب قدیم و انبیاء و دیگر پیغمبران به بعثت رسول الله علیه‌الصلوات و السلام؛ **باب سوم:** در بیان اخبار جنیان به بعثت حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم؛ **باب چهارم:** در ذکر کیفیت منتقل شدن نور او صلی الله علیه و سلم از اصلاب طیب به ارحام طاهره؛ **باب پنجم:** در بیان غرایب و عجایب که در مدت حمل او صلی الله علیه و سلم به ظهور آمده؛ **باب ششم:** در بیان ذکر ولادت و ظهور پربرکت و کیفیت وضع او صلی الله علیه و سلم؛ **باب هفتم:** در بیان حوادثی که شب ولادت آن حضرت صلی الله علیه و سلم ظاهر شده؛ **باب هشتم:** در ذکر نسب و آباء و امهات، وفات عبدالله و ذکر اسمای آن حضرت صلی الله علیه و سلم که در بردارنده پنج فصل است.

قسمت دوم: در بیان آنچه در زمان نبوت بوده و مدت اقامت آن حضرت صلی الله علیه و سلم در مکه که شامل نه باب است.

باب اول: در ذکر امارت نبوت آن حضرت صلی الله علیه و سلم؛ **باب دوم:** در بیان آنچه در سال اول از نبوت بوده و صفت نزول وحی و ذکر آن کس که اول مسلمان شده؛ **باب سوم:** در بیان آنچه در سال چهارم و پنجم از نبوت بوده و مکاره که از آن مشرکان کشیده و کیفیت هجرت حبشه و درین باب چهار فصل است؛ **باب چهارم:** در بیان آنچه در سال ششم از نبوت بوده و ذکر اسلام حمزه و عمر رضی الله عنهما؛ **باب پنجم:** در بیان آنچه سال هشتم از نبوت بوده و ذکر عهد کردن قریش بر عداوت بنی هاشم و بنی مطلب؛ **باب ششم:** در بیان آنچه سال دهم از نبوت بوده و وفات خدیجه و ذکر کیفیت ثقیف و جماعت جنیان و تزویج عایشه رضی الله عنها؛ **باب هفتم:** آنچه در سال یازدهم از نبوت بوده؛ **باب هشتم:** در بیان آنچه سال دوازدهم از نبوت آن حضرت بود صلی الله علیه و سلم و ذکر فرض شدن نماز؛ **باب نهم:** در بیان آنچه سال سیزدهم از نبوت بوده.

قسمت سوم: در بیان آنچه در سال‌های هجرت رسالت صلی الله علیه و سلم جاری شده که در بردارنده یازده باب است.

باب اول: در بیان آنچه سال اول از هجرت بوده و درین باب پنج فصل است؛ **باب دوم:** در سبب ذکر هجرت آن حضرت صلی الله علیه وسلم؛ **باب سوم:** در ذکر خروج حضرت رسالت و ابوبکر به غار ثور در بیان آنچه در راه مدینه واقع شده و قصه امّ معبد؛ **باب چهارم:** در انواع اوصاف آن حضرت صلی الله علیه وسلم؛ **باب پنجم:** در ذکر استقبال اهل مدینه مر حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم و اول جمعه که در اسلام گزارده شد و سخن گفتن گرگ و اسلام سلمان فارسی و سنت شدن اذان؛ **باب ششم:** در بیان آنچه در سال دوم از هجرت بوده و ذکر نکاح و دامادی علی با فاطمه و تحویل قبله و فریضه شدن روزه رمضان و غزاه بدر؛ **باب هفتم:** در بیان آنچه سال سوم از هجرت بوده و ذکر تزویج حفصه رضی الله عنها و غزاه أحد و ذکر شهادت حمزه و دیگر صحابه؛ **باب هشتم:** در بیان آنچه سال چهارم از هجرت بوده و ذکر غزوات و تزویج ام سلمه رضی الله عنها؛ **باب نهم:** در بیان آنچه سال پنجم از هجرت بوده و غزوات و نزول تیمم و قصه بهتان و ذکر تزویج زینب رضی الله و قصه خندق؛ **باب دهم:** در بیان آنچه سال ششم از هجرت بوده و غزاه حدیبیه و اسلام ابو هریره رضی الله عنه؛ **باب یازدهم:** در بیان آنچه در سال هفتم بوده و غزاه حنین و قصه نعریس و تزویج ام حبیبه رضی الله عنها.

قسمت چهارم: **باب** در بیان آنچه در سال هشتم از هجرت بوده و فتح طایف و ولادت ابراهیم؛ **باب** در بیان آنچه در سال نهم هجرت بوده و ذکر وفود و قصه تبوک و حدیث کعب بن مالک؛ **باب** در بیان آنچه در عرفل بوده و قصه حجة الوداع؛ **باب** در بیان سال یازدهم از هجرت و ذکر مسلمه و عَنَس و ذکر مرض آن حضرت صلی الله عنها و حوادث که در آن زمان جاری شده و قصه وفات؛ **باب** در تاریخ ختم کتاب و دعا بر مؤمنین و مؤمنات.

خاتمه کتاب: شامل تاریخ ختم کتاب و دعا بر مؤمنین و مؤمنات.

۷ اشارات سبکی و مفاهیم مولود النبی

مولود النبی اثری است منظوم در قالب مثنوی. شاعر در سرودن ابیات، به قواعد عروض و قافیه توجه داشته است. با وجود این، وزن تعداد کمی از ابیات معیوب است. در متن تکراری واژه‌ها، ابیات و داستان‌ها زیاد است:

معرفی نسخ و ویژگی‌های سبکی و محتوایی...

پس بهین اندر بهین اندر بهین نیست بی شک جز نبی العالمین

(سلیمانیه، برگ ۵ الف؛ استانبول، برگ ۱۱ ب؛ حکیم، برگ ۱۴ الف؛ ملک، برگ ۲۷)

پس دراستاد آن زمان راهب خوشی زانکه بود از جان و دل طالب خوشی

(سلیمانیه، برگ ۷۵ ب؛ استانبول، برگ ۶۲ الف؛ حکیم، برگ ۸۳ ب؛ ملک، برگ ۱۳۱)

بد سه روزه تا من بر پیچ پیچ می نخورده بودم الحق هیچ هیچ

(سلیمانیه، برگ ۵۷ الف؛ استانبول، برگ ۴۵ ب؛ حکیم، برگ ۶۱ ب؛ ملک، برگ ۹۷)

مؤلف برای روایت ماجراها از راویان بزرگ نقل قول می‌کند؛ به عنوان مثال در باب دوم، با عنوان «در بشارت کتب قدیم به بعثت پیغمبر آخر الزمان»، از عبدالله سلام، وهب منبّه، ابن سلام، کعب الأحبار و ابن عباس به نقل روایت می‌پردازد. علاوه‌براین، به مضامین کتاب مقدس، از جمله انجیل و مزامیر داود هم اشاره می‌کند:

آن که مکرر در انجیلش از عزّت خدا خوانده فارقلیط یعنی مصطفا
آن که رویش بود بر لوح نخست کرده در مولود این نقل درست
آنکه انجیل از زبان چار کس از حواریین گرفتستند و بس
نام آن هر چار دان ای با وفا مُرقس و لوقا و یوحنا، متا
و آن چهار انجیل از عیسی دگر کرده بودند اخذ اخذی معتبر

(سلیمانیه، برگ ۱۶ الف؛ استانبول، برگ ۱۸ ب؛ حکیم، برگ ۲۳ ب؛ ملک، برگ ۴۲)

از مزامیرات داودی نشان این چنین کرده‌ست نقل آن پاک جان
آن که داود نبی گفت ای اله بعث کن احمد رسول نیک‌خواه

(سلیمانیه، برگ ۱۶ الف؛ استانبول، برگ ۱۸ ب و ۱۹ الف؛

حکیم، برگ ۲۴ الف؛ ملک، برگ ۴۲)

تمایل سراینده اثر بیشتر به سره‌گرایی بوده و جز اصطلاحات دینی و نام‌ها که کاربرد عربی آنها ناگزیر است، در دیگر موارد واژگان عربی کمتر به‌کار رفته است. از ویژگی‌های دیگر سراینده اشارات او به آیات و همچنین تلمیحات داستانی است؛ مثلاً عبارت «اقتربت

السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ» در متن اثر آیه نخست سوره مبارکه قمر است. همچنین اشاراتی به نظریه عرفانی وحدت وجود نیز دیده می‌شود، اینکه حقیقتی جز خداوند وجود ندارد و هر آنچه هست جز خدا نیست. کازرونی برای رسیدن به حقیقت عقل را رد می‌کند:

اول و آخر جز او یک نور نیست این شناسد هر که جانش کور نیست

(استانبول، برگ ۸؛ حکیم، برگ ۲۴۹ ب؛
ملک، برگ ۲۱)

جمله چون باشد یکی اندر یکی پس یکی اندر یکی باشد یکی

(سلیمانیه، برگ ۸۱ ب؛ حکیم، برگ ۹۰ ب؛
استانبول، برگ ۶۷ ب، ملک، برگ ۱۴۲)

ز اعتبار عقل بگذر بی‌شکی تا نبینی در دو عالم جز یکی

(سلیمانیه، برگ ۲۱ ب)

آن که او را دیده دل کور نیست داند او کین جمله جز یک نور نیست

نیست آنجا جز یکی، احول مباش نقش اثنینیت از دل پرتراش

نیست معدودات وهمی بی‌شکی در شعاع دیده جان جز یکی

(حکیم، برگ ۴ الف؛ استانبول، برگ ۴ ب؛ ملک، برگ ۱۳)

این سخن توحید دانی ای پسر نی حلول و اتحاد ای بی‌خبر

(حکیم، برگ ۴ ب؛ استانبول، برگ ۴ ب؛ ملک، برگ ۱۳)

واحدم گشته به کثرت متصف من یکی‌ام در لباس مختلف

چون که جان از عقلش این مفهوم شد گرچه همچون سنگ بد چون موم شد

(حکیم، برگ ۹ ب؛ استانبول، برگ ۸ ب؛ ملک، برگ ۲۱)

ز اعتبار عقل بگذر بی‌شکی تا نبینی در دو عالم جز یکی

اعتبار وهم بردار از میان تا نبینی جز یکی در بزم جان

اعتبار وهم بگذار ای پسر تا نیاید جز یکی اندر نظر

(سلیمانیه، برگ ۲۱ ب؛ حکیم، برگ ۴ الف؛

استانبول، برگ ۴ ب؛ ملک، برگ ۱۳)

معمولاً در پایان قصه‌ها یک یا دو بیت به دعا و صلوات اختصاص می‌یابد:

بی عدد هر دم رباحین سلام بر تو ای گلدسته دارالسلام

بی عدد عطر توحیات و درود بر تو باد ای گلبن باغ شهود

(سلیمانیه، برگ ۶ الف؛ حکیم، برگ ۱۵ الف؛

استانبول، برگ ۱۲ الف؛ ملک، برگ ۲۸)

بی عدد از حق تجلی و درود بر تو باد ای مظهر فیض وجود
 بی عدد از حق تجلی صفات بر تو باد ای صدر و بدر کاینات
 بی عدد از حق تجلی سلام بر تو باد ای از تو فیض خاص و عام

(سلیمانیه، برگ ۶ الف؛ حکیم، برگ ۱۵ الف؛
 استانبول، برگ ۱۲ الف؛ ملک، برگ ۲۹)

نوری خراسانی، در ابتدای مولود النبی از دلیل به نظم در آوردن کتاب و حالات قلبی و

روحی خود سخن می‌گوید:

دل شیبی بهر تماشای وجود شد به استنشاق صحرای وجود
 ذوق «لا» در عین «الا الله» یافت شوق «ما فی الدار غیر الله» یافت
 زان هوایم شد دماغ جان قوی یافتم ذوق رموز معنوی
 وه چه لذت بُد که در جان داشتم وه چه حالی من به جانان داشتم
 از جهان نفس با عقل آمدم غرقه در دریای بی پایان شدم

(سلیمانیه، برگ ۲۳ الف؛ حکیم، برگ ۹ ب؛
 استانبول، برگ ۸ و ۹ الف؛ ملک، برگ ۲۰)

چون که جان زان وقت و حالت آرمد بعد از آن جذبش، سلوک آمد پدید
 گفت با دل: هان! قدم از فرق کن خویش را از نور احمد غرق کن
 سربه‌سر احوالش اول تا اخیر شرح کن مگذار چیزی از ضمیر
 حال او ز آغاز تا حین ظهور شرح ده چون آیت «الله نور»
 یعنی از پیر خرد بشنو سخن خیز و مولود محمد نظم کن
 آنچه باشد ز ابتدا تا انتها درکش اندر نظم بی‌روی و ری
 نظم کن مولود احمد را تمام تا از آن نظمت بود جان را نظام

(سلیمانیه، برگ ۲۶ ب؛ استانبول، برگ ۸ ب؛
 حکیم، برگ ۹ ب؛ ملک، برگ ۲۱)

در ادامه از خداوند مهربان کمک می‌خواهد و برای کسانی که این مولود را می‌خوانند یا

بدان گوش می‌دهند، طلب رحمت می‌کند:

خالقا جانم پر از انوار کن همت اهل حدیثم یار کن
 وقت آن شد رو به مقصود آورم روی سوی نظم مولود آورم

(سلیمانیه، برگ ۲۷ الف؛ استانبول، برگ ۸ ب؛
 حکیم، برگ ۱۰ الف؛ ملک، برگ ۲۱)

ای گرامی مردم نیکونهاد حق تعالی بر شما رحمت کند

دائماً باشید در امن و امان حق دهد در دو جهان مقصودتان

(سلیمانیه، برگ ۲۷ الف؛ استانبول، برگ ۸ ب؛
حکیم، برگ ۱۰ الف؛ ملک، برگ ۲۲)

وی به این نکته اشاره می‌کند که مجبور به نظم مولود النبى بوده است، و گرنه نمی‌توانسته آتشی را که در دلش داشته خاموش کند. ابیاتی که سروده است نیز از همین آتش درونی سرچشمه گرفته و حرف‌هایش برآمده از همین سوختن دل اوست:

گاه هم بوده‌ست کین اسرار کار بر زبان جاری شده بی‌اختیار
ناگهانم بحر جان آورده جوش در زبان زان جوش آورده خروش
گر برین آتش نمی‌کردم من آب می‌ندانم تا که می‌آورد تاب
بس که این آتش دلم افروخته‌ست رشته جان و دل من سوخته‌ست

(سلیمانیه، برگ ۲۷ الف؛ استانبول، برگ ۹ الف؛
حکیم، برگ ۱۰ الف؛ ملک، برگ ۲۲)

نوری در مقدمه اشاره می‌کند که تنها کسانی که اهل معرفت و تصوّف باشند، می‌توانند در مجلس او حضور داشته باشند و از سخنان او بهره‌مند شوند:

گر مذاق معرفت باشد تو را ای عزیز من درین مجلس درآ
ور نداری این مذاق از ما شنو زینهار از مجلس ما دور شو
هر که را او دیده‌ای جانباز نیست گو برو کوا قابل این راز نیست

(سلیمانیه، برگ ۱۰ ب؛ استانبول، برگ ۹ الف؛
حکیم، برگ ۱۰ الف؛ ملک، برگ ۲۲)

شاعر همچنین ابیاتی پندآمیز در متن می‌گنجاند:

چون کسی را نعمتی داده خدا تو حسد بر وی مبر ای بی‌نوا
زانکه آن نعمت ز وی ای بی‌خرد چون خدا داده تو نتوانی ستد
از حسد گر خویش را صد ور کنی آنچه ایزد خواسته چون رد کنی؟
عاقبت میری در آن اندوه و غم کرده باشی تو به نفس خود ستم
هم تو خود انصاف ده ای بی‌وفا تا کسی رد کرده تقدیر خدا؟
هر که بر دنیا حسد دارد، خر است نی غلط کردم که از خر کمتر است
کی روا باشد تو ای دل، کز خری از پی دنیای دون حسرت بری
میل بر دنیا کنی باشی خری ور به دنیا دار باشی خر خری

از حسد ای دل تو خود را پاک ساز جان خود آینه ادراک ساز
(سلیمانیه، برگ ۸۲ الف؛ استانبول، برگ ۶۸ الف؛
حکیم، برگ ۹۱ الف؛ ملک، برگ ۱۴۳)

نوری از مخاطبانش چند تقاضا دارد: از بدبینی و انکار نظمش پرهیز کنند، ترک دنیا و
نفس داشته باشند و غیر از حق در دل ایشان چیزی دیگر نباشد. همچنین با صدق به روح
مصطفی توجه کنند تا بتوانند از این کتاب بهره‌مند شوند:

اولاً نظم من ای اهل اصول بشنوید از سمع اخلاص و قبول
دیده بدبینی و انکار حق می‌فرو بندید در بازار حق
اندرین مولود مستعلی صفت گفته‌ام به یار، رمز معرفت

(سلیمانیه، برگ ۱۰ ب؛ استانبول، برگ ۹ الف؛
حکیم، برگ ۱۱۰ الف؛ ملک، برگ ۲۲)

ای که می‌آیید در مولود ما التماس دیگر آن است از شما
آنکه چون در مجلس حاضر شوید از خیال این و آن بیرون شوید
هر دلی کو شد به دنیا مبتلا در نیاید فیضی از مولود ما

(سلیمانیه، برگ ۱۰ ب؛ استانبول، برگ ۹ ب؛
حکیم، برگ ۱۰ ب؛ ملک، برگ ۲۳)

شاعر در مقدمه اشاره می‌کند اثری که انتخاب کرده بهترین مولودنامه دوران بوده است
و در ادامه درباره نویسنده مولودنامه می‌گوید: بهترین کس بود که در ره حقیقت و دین
دانش داشته و آگاه از علم کلام بوده است و بسیاری استناد بر وی شده است. نوری، اصل
مفهوم مولود را در مولود این شخص دیده و به نظم کشیده است. همچنین هرچه را در متن
نامفهوم بوده، مرتب و قابل فهم ساخته است؛ زیرا این مولودنامه برای قرائت در مجلس
تدارک دیده شده و باید برای عموم قابل درک باشد.

سرّ وحدت کرد در نظم آشکار گوهر جان کرد بر جانان نثار
بود مولودی خوشی نثری فصیح جمع در وی بود احادیث صحیح
اصل در مولود آن بشناختم منشأ مقصود خود آن ساختم
و آنچه در وی رفته بود از ماجرا نظم کردم جمله الانادرا

(سلیمانیه، برگ ۲۶ ب؛ استانبول، برگ ۸ ب؛
حکیم، برگ ۹ ب؛ ملک، برگ ۲۱)

آن قدر ابیات کاندر این کتاب
چون نبد در حوصله اهل زمان
گر درین یابید ناگه یک یکی
چون به عین صدق آن را بنگرید
لیک گر از دیده بدبین خود
آن را مدخل مسازید آن زمان
کاملان دانند قدر نظم من
طبع ناقص کی شناسد این سخن؟

(استانبول، ۸؛ حکیم، ۱۰ الف؛
ملک، برگ ۲۲؛ سلیمانیه، برگ ۱۰ ب)

۸ نتیجه

این شیوه نگارش به نظم یا نثر و با محتوایی مذهبی، که مهم‌ترین آن ماجرای زندگانی پیامبر اکرم است، با آنکه خاستگاهی ایرانی دارد، در آسیای صغیر مورد توجه واقع شده و از آنجا به سایر نقاط جهان اسلام راه گشوده است. کتاب مولود النبوی، اثر نوری کازرونی، از نمونه‌های مهم این نوع ادبی است. درباره مولودنامه منثوری که منبع شاعر برای سرودن منظومه‌اش بوده است اطلاعاتی دقیق در دست نیست، گرچه چنان‌که اشاره شد شباهت زیادی به نه‌ایة المسؤل دارد.

امید است با معرفی این اثر به نقش مولودنامه‌نویسی در ادبیات فارسی بیش از پیش توجه شود.

منابع

- افشار، ایرج و محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۶۱)، فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک، مشهد: آستان قدس رضوی.
- بکری، ابوالحسن (۱۳۸۸)، سیرة نبوی «روایت داستانی» ترجمه پارسی ذروة العلیافی سیرة المصطفی، ترجمه بهاء‌الدین کازرونی، به کوشش رسول جعفریان، تهران: علم.
- تاتور، فلیکس (۱۳۷۹)، «۵۵۵ نسخه فارسی تاریخ در کتابخانه‌های استانبول، استخراج از ایرج افشار»، نامه بهارستان، سال اول، شماره اول، دفتر اول. ص ۸۵-۹۸.

جعفریان، رسول (۱۳۹۵)، «سهم کازرونی‌ها در تدوین سیره نبوی»، مقالات و رسالات تاریخی، شماره ۳، ص ۳۸۵-۳۹۸.

کازرونی، محمد (۱۳۶۶)، نهایت المسؤل فی روایت الرسول، ترجمه و انشای عبدالسلام بن علی بن حسین ابرقوهی، به کوشش محمدجعفر یاحقی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی - علمی و فرهنگی.

نوری، خراسانی، کتاب مولود النبی، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، استانبول، به شماره H949.

_____، مولود النبی، نسخه خطی کتابخانه حکیم اوغلو عالی پاشا، به شماره ۸۱۲.

_____، مولود النبی، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، به شماره ۵۰۷۳.

_____، مولود النبی، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره F1236.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۶)، «تعلیقات» بر نهایت المسؤل فی روایة الرسول ← کازرونی، محمد (۱۳۶۶).

Ateş, Ahmet (1968), *İstanbul Kütüphanelerinde Farsça Mazum Eserler*, İstanbul, Milli Eğitim Basımevi.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ابتدای نسخه سلیمانیه



انتهای نسخه سلیمانیه